

بسم الله الرحمن الرحيم

راهبردهای تدریس تفکر محور

(چند نکته مختصر)

چکیده:

این جزوه مختصر، یک گزارش اجمالی است که محتوای جلسه برگزار شده در تاریخ ۹۵/۶/۴ در دهکده محققین (وسف) را نشان می‌دهد. در این جلسه کوتاه برخی از استادان محترم و نیز مسئولین محترم مرکز تخصصی تفسیر حضور داشتند و بعد از گروه‌بندی، به صورت تقریباً کارگاهی در بحث مشارکت داشتند. اصل بحث این بود که استادان محترم باید با انواع تدابیر بتوانند تفکر دانش‌پژوهان را در فرایند تدریس بیش از پیش فعال کنند و با این کار به فرایند تولید علم در حوزه و پرورش محققان بزرگ در آینده کمک کنند. برای این کار، نکاتی کلی در باره تدریس تفکر محور بحث شد و بر سه راهبرد مهم تدریس تفکر محور (حل مسئله، تصمیم‌گیری و مفهوم‌سازی) بیشتر تأکید شد.

تعریف فکر

فکر حرکتی است بین معلومات و مجهولات با اهداف گوناگونی صورت می‌گیرد. معلومات سرمایه‌های ما هستند. اگر استادان بتوانند با روش‌های مؤثر تدریس این حرکت را ایجاد کنند دانش‌پژوهان اهل فکر خواهند شد. فکر مهم‌ترین ابزار پژوهش و نقطه شروع آن است. اگر مدرسان محترم مطالب را به صورت آماده تقدیم کنند و دانش‌پژوهان نیازی نبینند که حرکتی از خود نشان دهند هر یک از طلاب به یک کتابخانه کوچک سیار تبدیل خواهد شد و تولید علم در حوزه به کلی تعطیل می‌شود.

سؤال آموزشی و سؤال پژوهشی

هر گاه ما یک دسته معلوماتی داشته باشیم که با هم مرتبط باشند و علاوه بر ارتباط مذکور، ما به این ارتباط «توجه» نیز داشته باشیم، گاهی یک سؤال برای ما به وجود می‌آید. اگر جواب این سؤال در منابع به صورت مستقیم وجود داشته باشد و ما تاکنون آن جواب را یاد نگرفته باشیم اینجا عمل یادگیری یا آموزش لازم است؛ اما اگر فقط منابعی وجود داشته باشند و معلومات موجود، برای پاسخ آن کافی نباشند، ما در اینجا نیاز به «پژوهش» داریم و این را برخلاف سؤال قبلی، «سؤال پژوهشی» می‌نامند. سؤال آموزشی احیا و یادآوری مطالب موجود را بر می‌انگیزاند اما سؤال پژوهشی ما را برای تولید علم آماده می‌کند. در تدریس تفکر محور، سؤالات پژوهشی اهمیت بیشتری دارند.

مؤلفه‌های تدریس

اعمال مهم یک استاد مؤلفه‌های تدریس را شکل می‌دهد. این اعمال عبارت‌اند از:

۱. طراحی درس
۲. ارتباط
۳. انگیزه‌بخشی
۴. ارائه درس
۵. ارزشیابی

تعریف تدریس تفکرمحور

تنها در صورتی می‌توانیم ادعا کنیم تدریس ما تفکرمحور است که همه مؤلفه‌های تدریس ما تفکرپرور و تفکرمحورانه باشد. آیا اکتفا به تجربیات قبلی و نداشتن طرح درس، زمینه را برای مهارت‌های بدیع و ابتکاری و جدید آماده می‌کند؟ اگر از دانش‌پژوهان شناخت کافی نداشته باشیم و به علت جمعیت زیاد حتی نتوانیم نگاه خود را عادلانه تقسیم کنیم و پاسخگوی ابهامات درون کلاس باشیم ارتباط مؤثری برقرار کردیم؟ نوع و مراتب انگیزه‌بخشی در این گونه تدریس‌ها نیز متفاوت است و از شدت بیشتری برخوردار است. ما ده‌ها نوع ارائه درس داریم که بدترین آن تدریس یک‌طرفه و سخنرانی بدون مشارکت دادن است. کدام نوع ارائه، در تدریس تفکرمحور مناسب و کارآیی دارد؟ طبعاً نوع ارزشیابی در تدریس تفکرمحور همان چند سؤال تشریحی و تستی در امتحان نمی‌تواند باشد. اگر ارزشیابی اندازه‌گیری است پس ما در این کلاس‌ها باید میزان موفقیت دانش‌پژوه را در اندیشه‌ورزی اندازه بگیریم نه میزان مطالب موجود در حافظه او را.

مهارت شناختی و مهارت فراشناختی استادان

گاهی دیده می‌شود که برخی از ما (مدرسان) به مرور زمان از یک روشهای ثابت و کلیشه‌ای و بدون داشتن پویای لازم استفاده می‌کنیم و به نوعی دچار روزمرگی می‌شویم. اگر بتوانیم در مقابل روش‌های ایجاد شناخت یک علامت سؤال بگذاریم و روش‌های خود را تجدید نظر کنیم علاوه بر مهارت شناختی، توانستیم از مهارت فراشناختی برخوردار باشیم. فراشناختی نوعی بازگشت و تأمل است که در اثر آن در جست و جوی راه‌های بهتر و کارآمدتری برای یاددهی هستیم.

مهارت تفکر

مهارت داشتن یعنی در حد ملکه بتواند فعالیت را انجام دهد. اگر دانش‌پژوه را در فرایند یادگیری و آموزش به فکر واداریم شروع خوبی است اما هنوز با کسب مهارت در تفکر راهی مانده است. شخصی که در تفکر مهارت دارد می‌تواند بدون

راهنمایی مستمر یک استاد، در مباحث دیگر درسی و به طور کلی در زندگی نیز آن مهارت را به کار گیرد. اگر زندگی، مهارت تفکر لازم دارد پس ما استادان که دانش‌پژوهان را برای ساحت‌های مختلف زندگی تربیت می‌کنیم باید مهارت تفکر را در آنها ایجاد کنیم. از همین رو، باید از هر فضا و موقعیتی که در کلاس پیش می‌آید برای تحریک تفکر استفاده کنیم و فکر نکنیم که اگر مطالب را همیشه آماده و راحت در اختیار آنها قرار دهیم، خدمت بزرگی کرده‌ایم. ذهن مانند ماهیچه بدن است و باید ورزیده شود. استاد باید در کلاس، فرصت‌ساز و فرصت‌قاپ باشد. استادانی که نه تنها مهارت تفکر را یاد نمی‌دهند بلکه اصل فکر کردن را نیز آموزش نمی‌دهند فراگیران را دو گام عقب‌تر از تولید علم نگه می‌دارند.

فهرستی از مهارت‌های تفکر

فهرستی اجمالی از مهارت‌های تفکر را که استادان و معلمان باید در یادگیرندگان ایجاد کنند در اینجا ذکر می‌شود:

به یاد آوردن، بازگویی و بازنویسی با تعبیرات خود دانش‌پژوه، مثال آوردن و ذکر نمونه، طبقه‌بندی کردن، خلاصه کردن و فشرده‌سازی، استنباط کردن، انتزاع کردن، مقایسه کردن، تبیین کردن (ذکر علت)، توجیه کردن (ذکر دلیل)، به کار گرفتن، تحلیل کردن، متمایز کردن، سازمان دادن، تعیین دیدگاه یک نویسنده، واری کردن، نقد کردن، تصمیم گرفتن، ترجیح دادن، تولید کردن، طرح دادن، به وجود آوردن و ... ۱.

از جمع چند مهارت تفکر، یک راهبرد تفکر تشکیل می‌شود. به عنوان مثال راهبرد حل مسئله، که به معرفی آن خواهیم پرداخت، خود از چند مهارت تفکر تشکیل می‌شود.

معرفی ۳ راهبرد مهم در تدریس تفکر محور

۱. راهبرد حل مسئله

مراحل کار:

الف) تشخیص مسئله در کلاس کلاس: ممکن است مسئله یا دغدغه علمی را شاگرد یا استاد مطرح کند. به عنوان مثال: آیا وجود آیات متشابه فرایند پیام‌رسانی قرآن را مختل نمی‌کنند؟
ب) بیان مسئله: چند جمله توضیح که منشأ و علت پیدایش این دغدغه را نشان دهد و طبعاً از معلومات موجود شروع می‌شود و با یک شیب ملایم به صورت طبیعی به یک سؤال ختم می‌شود.
ج) طراحی راه حل: استاد از دانش‌پژوهان می‌خواهد که برای این دردرس علمی راه حل خودشان را ارائه دهند.

۱. ر.ک: سیف، علی‌اکبر، سنجش فرایند و فرآورده یادگیری، نشر دوران، ویرایش دوم، تهران، ۱۳۸۹، ص ۷۸

د) ارزشیابی راه حل: خود استاد یا دانش‌پژوهان به محاسن و معایب راه حل‌ها می‌پردازند و بعد از نقد، راه حل نهایی را برای حل مسئله ترجیح می‌دهند.

۲. راهبرد تصمیم‌گیری

مراحل کار:

الف) تعیین هدف: به عنوان مثال، می‌خواهیم در جامعه ما از قرآن مهجوریت‌زدایی کنیم.

ب) تشخیص راه‌های متعددی که برای رسیدن به آن هدف قابل طرح است به صورت باران فکری و بدیعه‌پردازی

ج) سنجش معایب و محاسن راه‌ها و طبقه‌بندی آنها از حیث قابلیت اجرا، کارآمدی و مانند آن.

د) قضاوت در باره بهترین راه‌های رسیدن به هدف

ه) انتخاب بهترین راه

۳. راهبرد مفهوم‌سازی (تکوین مفهوم)

به عنوان مثال، می‌خواهیم مفهوم «تشابه» را با دانش‌پژوهان آموزش دهیم و صفات عام و خاص آن را مشخص

کنیم تا با رسیدن به هر آیه بتوانند تشخیص دهند که آیا آن آیه متشابه است یا محکم.

مراحل کار:

الف) شناسایی مصداق‌ها

ب) تعیین صفات عام

ج) طبقه‌بندی صفات

د) تعیین مقوله‌های مشترک صفات

ه) شناسایی مصداق‌ها و غیرمصداق‌ها

و) اصلاح صفات یا ساختار مفهوم

توضیح شفاف‌تر:

۱. چند آیه متشابه فراهم کنید و به فراگیران ارائه دهید.

۲. دست کم دو مثال که یکی از آنها آیه متشابه نیستند ارائه دهید.

۳. از فراگیران بخواهید که صفات برجسته یک آیه متشابه را تشخیص دهند.

۴. به فراگیران کمک کنید تا متشابه را تعریف کنند.

۵. اطلاعاتی در باره همبستگی مفهوم مورد نظر با دیگر مفاهیم فراهم کنید.

۶. دسته‌ای از مثال‌های مربوط و غیرمربوط به آن مفهوم آماده کنید و به فراگیران کمک کنید تا روش لازم را برای

تشخیص مصادیق یاد بگیرند و ... تهیه کننده: اسلام‌پور. ۱۱ شهریور ۹۵